



۲۱/۰۶/۲۰۱۴

دستگیر روشنیالی

دوزخ وزیرستان

هدف عملیات نظامی، وزیرستان باید جای "طالبان خوب" یا تروریست های خوب باشد

در وزیرستان از یک طرف در نتیجه حاکمیت طالبان زندگی به معیار مرگ سنجیده میشود و از طرف دیگر در نتیجه عملیات نظامی پاکستان مردم در زیر سایه مرگ بسر می برند. وزیرستان دوزخی است که ایجاد کننده آن پاکستان می باشد. پاکستان با ترویج، تبلیغ و تشویق بنیاد گرایی مذهبی تلاش کرد تا عقل، دانش، وطن و وطن دوستی این مردم را دزدی کرده و وزیرستان را به پایگاه تروریست های منطقه و جهان مبدل کند.

هم چنان پاکستان توانست از منطقه ای امید های دیروزی ما، "آزاد قبایل" و "دا پینونستان د مور" سیاست عمق استراتژیک خویش را در افغانستان پیش ببرد و از طالبان بحیث وسیله مانور خویش در افغانستان استفاده نمایند.

پاکستان این کار را با موفقیت انجام داد و امروز نه قبایل وجود دارد، نه آزادی وجود دارد و نه هم "دا پینونستان د مور" و اکنون پاکستان با آغاز کردن عملیات نظامی "ضرب غضب" با دست آزاد در وزیرستان مردم میکشند و ده ها هزار انسان را از خانه های شان بی جا میکند.

وسایل جمعی، مطبوعات، نویسندگان، ژورنالست ها، مبصرین سیاسی ... در پاکستان از این عملیات پشتیبانی میکنند و بسیار زیاد بر موجودیت تروریست خارجی، از یک ها، عرب ها، چینی ها... در وزیرستان تأکید میگردد. اما هیچ کدام شان از موجودیت تروریست های افغانی از جمله از موجودیت شبکه حقانی ... در این منطقه صحبت نمی کنند.

صدراعظم پاکستان میگوید:

operation would continue until terrorism is eliminated from the country

هیچ کس، حتی یک پاکستانی عادی هم به این حرف های آقای شریف باور ندارد و نه این حرف ها به واقعیت مبدل میشود. تجربه عملیات های قبلی پاکستان به جای شکست طالبان نیرومند شدن طالبان را نشان میدهد. وزیرستان یگانه مرکز تروریسم نیست و طالبان یک پدیده محلی و منحصر به وزیرستان نمی باشند. بنابراین هیچ تضمینی وجود ندارد که طالبان شکست بخورد و یا طالبان در وزیرستان شمالی محوه شوند.

طالبان نهضت سراسری پاکستان است و در سراسر این کشور فعالیت میکنند. فاروق ستار رهبر متحد قومی محاذ پاکستان میگوید: "طالبان و طرفداران آنها ۲۵% شهر کراچی را کنترل میکنند. اگر اقدامات فوری صورت نگیرد، مرکز تجارتي کشور با بحران بزرگ مواجه خواهد شد."

مرکز رهبری تروریست ها به جای وزیرستان در پنجاب است. تروریست های که در حدود ۲۰۰ نفر را در بمبی هندوستان کشتند و تروریست های که طور منظم و پلان شده اهل تشیع را میکشند در پنجاب و تحت حمایت پنجاب می باشند.

طالبان، تروریست ها و دهشت گردها یگانه مشکل پاکستان نیست. پاکستان به بسوی راست مذهبی در حرکت است و آنچه که لیبرالیزم و سیکولریزم خوانده میشوند در حال مردن هستند. در عمل دیگر پاکستان سیکولر و دیموکراتیک وجود ندارد. در سراسر این کشور وهابیزم و سلفییزم به سرعت بی نظیر رشد میکند و ساحه نفوذ و تاثیر خویش را در تمام طبقات و به خصوص در قشر بسیار وسیع فقیر نشین تحکیم می بخشد. هزارها مدرسه دینی که به کمک عرب ها ساخته شده است تلاش دارند تا در سراسر این کشور تفکر نسل جوان را در انحصار

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

خود داشته باشد. اگر در عملیات جاری روزانه از ۲۵ تا ۳۰ طالب کشته میشوند این مدرسه ها در عوض آنها ۱۰۰ نفر بسوی صفوف طالبان روانه میکند.

بنیادگرایی مذهبی در پاکستان پلورالیزم مذهبی و فرهنگی را در جامعه تحمل کرده نمیتواند و عدم تحمل در برابر دیگر اندیشان و پیروان مذاهب دیگر رو به افزایش می باشد. " در پاکستان عمده ترین مانع تطبیق شریعت اهل تشیع می باشند" اصف چوتو رهبر لشکر جنگوی.

در نتیجه رشد و تقویت بنیادگرایی مذهبی در پاکستان ثبات سیاسی و اقتصادی تضعیف شده و از همه بدتر اینست که ثبات اجتماعی و فرهنگی در این کشور در حال از بین رفتن است، پروسه های ایجاد دولت مدرن و ملت شدن ناکام شده اند و جامعه پاکستان طور بالفعل و طور بالقوه یک جامعه تقسیم شده است و جوامع موازی به اساس قومی و مذهبی در این کشور رشد میکند و از هم فاصله میگیرند. در عراق رشد سریع جوامع موازی است که این کشور را بسوی تقسیم شدن می برد.

در پاکستان طریقه دیوبندی که به وهابیت و سلفی ها دست کمک داده است در تمام بخش های زندگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی عمیقاً نفوذ کرده است و همین جریان ها استند که راه و سمت گروههای تروریست را تعیین میکند و سیاست خرابکار پاکستان را در قبال افغانستان و هندوستان توجیه و پشتیبانی می نماید.

گروها بنیادگرا بطور وسیع در اپرات حکومتی، در پولیس، در اردو و دستگاه عدلی پاکستان نفوذ کرده و در این ارگانها طرفدارانی دارند که از آنها حمایت میکنند. هم چنان نفوذ و تاثیر این گروها در مکاتب، در پوهنتونها، در مؤسسات تعلیمی و اجتماعی افزایش یافته است و آنهایکه به شیوه دیگر می اندیشند کشته میشوند. شهر کراچی هر روز شاهد چنین کشتارها می باشد. چندی قبل در بلوچستان یک عضو پارلمان به جرم عیسوی بودن و به جرم خواست یک پاکستان سیکولر و دموکراتیک که در آن همه افراد بدون اینکه پیرو کدام مذهب است، به کدام لسان حرف می زند، در برابری با هم زندگی کنند، کشته شد و درپشاور گلناز را به جرم خواندن به قتل رسانید.

یکسان سازی و ایجاد جامعه دولتی.

هدف اساسی بنیادگرایی مذهبی در پاکستان پاک کردن "خاک مقدس" از وجود شعبیه ها، عیسوی ها، هندو ها... و یا از وجود هر نوع دیگر اندیشان است. بنیادگرایان براین عقیده اند که در نتیجه ای پاک سازی دیگران و دگراندیشان امکانات تطبیق شریعت و ایجاد جامعه ای بوجود آید که در آن همه یکسان، همه دارای یک عقیده و همه دارای یک تفکر و یک ایمان باشند.

در جامعه یکسان بنیادگرایان همه چیز و تمام بخش های زندگی از بالا تنظیم و رهبری میگردد، حرف ها، اندیشه ها، رفتارها و طرز لباس پوشیدن ها هم دولتی میشوند. در جامعه یکسان فاصله بین دولت و جامعه از بین برده میشود فرد و جامعه هر دو استقلال خویش را دست میدهد. حاکمیت و قدرت در وجود یک فرد تمثیل میگردد، چیزیکی مردم افغانستان در وجود حاکمیت طالبان تجربه کردند.

هدف عملیات اردو پاکستان

عملیات جاری زمانی صورت میگیرد که از یک طرف در افغانستان مسئله انتقال قدرت سیاسی مطرح است و از طرف دیگر قوای ناتو افغانستان را ترک می کنند. در این حالت پاکستان به خاطر بدست آوردن اهداف خویش در افغانستان به "طالبان خوب" و تقویت آنها ضرورت دارد و وزیرستان باید جای "طالبان خوب" باشد. طالبان خوب "طالبانی هستند که برای اهداف پاکستان در افغانستان جنگ میکنند.

پاکستان خطرناکترین کشور جهان است و از همین جا است که شعارهای "مدیریت کردن جهان"، "اصلاح کردن جهان". بلند میگردد. **خطر پاکستان را نه باید نادیده گرفت.**